

بررسی افت و خیز طب سنتی در سیاست‌های وزارت بهداشت

# طب سنتی، فرزند ناتنی وزارت

یادداشت

عباس محمدی

## ◆ طب سنتی از ایران تا یونان

طب سنتی ایران از حدود ده هزار سال پیش در زمینه‌های مختلف پیشگیری، درمان و جراحی در دنیا شناخته می‌شده است اما در یک مقطع تاریخی این دانش به یونان منتقل و حکمای یونانی همچون بقراط و جالینوس این طب را پرورش دادند. هم‌زمان با ظهور اسلام و تأیید و تأکید پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) به احیای علوم به‌خصوص علوم فلسفه و طب، شاهد تلاش جدی دانشمندان مسلمان در ترجمه و انتقال این علوم به‌صورت پیشرفته و ادغام‌شده به قلمرو حکومت اسلامی بودیم.

## ◆ اولین مقابله غرب با پیشرفت شرقی

با تلاش حکمای مسلمان همچون ابن سینا، رازی و... این مکتب طب به‌طور گسترده‌ای تکمیل و در اقصی نقاط تمدن اسلامی منتشر شد. هم‌زمان با یکه‌تازی طب ایرانی در جهان، واکنش‌های منفی و متعصبانه به این مهم شدت بیش‌تری گرفت.

در این میان پاراسلسوس پزشک و شیمی دان آلمانی جزء اولین افرادی بود که به مقابله با سیطره علوم شرقی در دنیای غرب برخاست و در یک اقدام نمادین کتاب قانون ابن سینا را آتش زد. وی و پیروانش صحبت از یک مکتب طب دیگر بر مبنای اصول فلسفه غربی و شیمی می‌کردند.

## ◆ تهاجم طب غربی و منع طب سنتی در دوره قاجار

بعد از گذشت سال‌ها از این رویداد و تکمیل و پرورش مکتب طب نوین، این نوبت غربی‌ها بود تا مکتب طب خود را بر جهان اسلام سیطره دهند. در همین راستا تلاش‌هایی جهت ورود این مکتب طب از ممالک غربی به ایران شد که

در دوره صفوی به دلیل مخالفت حکومت و مردم عمده آن‌ها به ناکامی انجامید اما با ظهور قاجاریه در ایران این تلاش‌ها به اوج خود رسید.

کتاب «تاریخ طب در ایران» نوشته دکتر سیریل الگود پزشک سفارت انگلیس در بار قاجار، حقایق تلخی را پیرامون نحوه سرکوب شدن طب سنتی برای ما نمایان می‌کند. بر اساس این کتاب، استعمار اولین بار به‌وسیله مکتب طب خود وارد این مملکت شد و حذف طب سنتی، بنا به اعتراف نویسنده و سایر مورخین و اطباء غربی، حرکتی خرنده بود که طی ده‌ها سال تلاش و برنامهریزی بی‌وقفه حاصل شد، بدین صورت که ابتدا شاهان و شاهزادگان را متقاعد کردند، بعد راه آموزش طب سنتی را مسدود و در نهایت مردم را مجبور به روی آوردن به طب شیمیایی کردند.

سیریل الگود در کتاب خود می‌گوید: «مبارزه با طب سنتی از زمان شاه عباس صفوی که مقارن با ورود کمپانی هند شرقی به ایران بود، در دستور کار قرار گرفت، لیکن به علت مقاومت مردمی هیئت‌هایی که در زمان صفویه به ایران می‌آمدند توفیقی به دست نیاوردند.»

وی در ادامه فضای دوران قاجار را این‌گونه ترسیم می‌کند: «ویژگی مهم دوران قاجار، انتقال طب ابن سینا به طب هاروی و پاستور بود. هیئت‌های نمایندگی که در این زمان به ایران می‌آمدند، اغلب پزشک بودند و به این ترتیب طب غربی به‌ملایمت و آهستگی در خاستگاه طب سنتی نفوذ کرد.»

وی آنگاه وضع قانون منع طبابت سنتی در ایران را به‌عنوان آخرین میخ تابوت طب سنتی معرفی کرده و می‌گوید: «در سال ۱۹۱۱ میلادی وضع قانون طبابت بر اساس دیپلم و مدرک صورت گرفت که می‌گفت: هیچ‌کس در هیچ نقطه از ایران حق اشتغال به هیچ‌یک از فنون طبابت را ندارد، مگر اینکه از وزارت معارف اجازه‌نامه گرفته یا تصدیق‌نامه از ممالک خارجه داشته باشد.»

